

بدعت‌انگاری آموزه تبرک: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه ابن تیمیه و وهابیت

سجاد چهره‌گشا*

مجتبی مرادی مکی**

چکیده

تبرک یکی از آموزه‌های دینی است که در سنت اصیل اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این میان ابن تیمیه و وهابیت بر اساس اصل حجیت سلف و فقدان نصوص صریح در قرآن و سنت، تبرک را عملی بدعت‌آمیز و گناه شرک‌آلود تلقی، و آن را نکوهش کرده‌اند. این پژوهش با رویکردی توصیفی تحلیلی دیدگاه ابن تیمیه و وهابیت درباره نکوهش آموزه تبرک را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ابن تیمیه و وهابیت در بدعت‌انگاری تبرک اشتراک نظر دارند، اما این ادعا با شواهد مستند تاریخی و روایی همخوانی ندارد و استدلال‌های آن‌ها درباره بدعت بودن تبرک از چندین جهت مخدوش به نظر می‌رسد؛ زیرا: ۱. تقسیم‌بندی تبرک به مشروع و نامشروع با رویکرد وهابیت پذیرفتنی نیست و نوعی تعمیم ناروا به همراه دارد؛ ۲. شواهد تاریخی و روایی حاکی از آن است که اعتقاد سلف صالح در تبرک به اموری که وهابیان آن‌ها را نامشروع می‌دانند، بدون اعتقاد به استقلال تأثیر آن‌ها بوده است؛ ۳. اثبات حکم بدعت یا شرک برای تبرک هم اشکالاتی دارد.

کلیدواژه‌ها: تبرک، ابن تیمیه، وهابیت، بدعت، سلف، ذریعة الی الشرک.

* دانش‌آموخته سطح سه، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)

sajad.chehregosha.2030@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری تخصصی وهابیت‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران،

moradimaki1393@gmail.com

مقدمه

تبرک جستن به آنچه خداوند به آن برکت بخشیده، یکی از آداب و رسوم دیرین در میان مسلمانان بوده است. از نظر بیشتر مسلمانان، آموزه تبرک نه فقط نمادی از اعتقادات دینی مسلمانان به شمار می‌رود، بلکه در حکم رفتاری فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی ایفا کرده است. در این میان، برخی از عالمان وهابیت، به تبعیت از بزرگان‌شان، تبرک جستن را بدعتی ناروا تلقی کرده و آن را با شرک مرتبط دانسته‌اند. این اختلاف نظر در طول تاریخ اسلام، به ویژه از قرن هشتم هجری به بعد، موجب جدال‌های گوناگون و تأثیر بر وحدت و انسجام امت اسلامی شده است. از سوی دیگر، بسیاری از مسلمانان به آثار انبیا و صالحان تبرک می‌جویند و در پی یافتن معنای عمیق‌تری از این سنت دیرین هستند.

با توجه به اینکه وهابیت خود را تابعان ابن تیمیه می‌دانند، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که: دیدگاه وهابیان تا چه اندازه با دیدگاه ابن تیمیه در مسئله نکوهش آموزه تبرک همخوانی دارد؟ تحقیق پیش رو با رویکردی تحلیلی انتقادی دیدگاه‌ها و دلایل ابن تیمیه و وهابیت درباره نکوهش و بدعت دانستن تبرک را به نحو مقایسه‌ای بررسی و نقد کرده است.

پیش از این، برخی پژوهشگران آثاری درباره تبرک از دیدگاه وهابیت نگاشته‌اند، از جمله: مقاله «تبرک از دیدگاه امامیه» اثر حسین قاضی‌زاده، «نقد دیدگاه وهابیت در مسئله تبرک» اثر مصطفی ورتابی کاشانیان، و مقاله «بررسی و نقد دیدگاه وهابیان درباره تبرک با نگاهی به تفسیر آیه اِذْهَبُوا بِقَمِيصِي» اثر مرتضی محیطی؛ اما این مقالات و آثار مشابه عمدتاً بر نقد اندیشه وهابیت تمرکز کرده‌اند و هیچ یک دیدگاه وهابیت و ابن تیمیه را بررسی مقایسه‌ای نکرده‌اند. همچنین، نویسندگان این آثار کوشیده‌اند نشان دهند تبرک شرک نیست و اشاره دقیق به بدعت‌انگاری تبرک نکرده‌اند. بر این اساس، نقد بدعت‌انگاری تبرک به صورت مقایسه‌ای بین ابن تیمیه و وهابیت نوآوری اثر حاضر محسوب می‌شود.

تبیین مفاهیم محوری

اصلی‌ترین مفاهیم در این پژوهش عبارت‌اند از:

بدعت

لغت‌شناسان عرب «بدعت» را به معنای ایجاد چیزی نو و بی‌سابقه دانسته‌اند. بر این اساس، ایجاد هر نوع گفتار، رفتار یا کرداری را که تاکنون مشابهی نداشته و پیش‌تر به آن اشاره‌ای نشده باشد «بدعت» می‌نامند (الفراهیدی، ۱۴۰۹: ۵۴/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶/۸؛ الزبیدی، ۱۴۱۴: ۲۷۰/۵؛ الطریحی، ۱۳۷۵: ۲۹۸/۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۴/۳). از تحلیل نظر لغت‌دانان مشخص می‌شود که «بدعت» در لغت معنای وسیعی دارد و شامل هر امر نوظهوری می‌شود، خواه آن امر در زمینه دین باشد یا در امور دنیوی.

در تعریف اصطلاحی بدعت، عالمان مسلمان دیدگاه‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند که در چهار دسته می‌گنجد:

۱. تعریف زمانی: هرچه در عصر پیامبر اکرم (ص) و صحابه فاقد نمونه‌ای پیشین باشد (سیوطی، ۲۰۱۱: ۱۵۳؛ نووی، ۱۳۴۷: ۲۹۸/۳).

۲. تعریف منبعی: هرچه عاری از ریشه‌ای قرآنی و روایی باشد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۷: ۲۵۳/۱۳؛ عینی، ۱۴۲۶: ۳۷/۲۵؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۰۷/۴).

۳. تعریف دینی: هرچه به عنوان امری دینی محرز شود، در حالی که در کتاب و سنت ریشه‌ای ندارد (شاطبی، بی‌تا: ۵/۱).

۴. تعریف مخالفت با سنت: هرچه مخالف با کتاب و سنت رسول خدا و سنت شیخین و صحابه باشد (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۰۷/۴).

هر یک از این تعاریف، قوت‌ها و ضعف‌های خاص خود را دارد؛ مثلاً تعریف زمانی، نوآوری‌های مشروع و مبتنی بر اصول دین را نیز شامل می‌شود و جامعیت ندارد. تعریف منبعی هم ممکن است نوآوری‌هایی را بدعت تلقی کند که بر اساس قواعد استنباط از قرآن و سنت حاصل می‌شوند. بنابراین، بدعت اصطلاحی، مفهومی محدودتر از معنای لغوی دارد.

برای رعایت شروط تعریف می‌توان «بدعت» را این‌گونه تعریف کرد: بدعت هر عمل، قول یا عقیده‌ای است که به دین نسبت داده شود و فاقد دلیل شرعی معتبر باشد و

آشکارا یا ضمنی با اصول و قواعد کلی دین در تضاد باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۵۴۰/۲؛ سبحانی، ۱۳۹۵: ۶۹؛ ابن حزم اندلسی، ۱۹۸۰: ۴۳/۱). این تعریف، در قیاس با تعاریف پیشین، از دقت نظری بیشتری برخوردار است. قید «فاقد دلیل شرعی معتبر» به تنهایی تمایز بین نوآوری‌های بدعی و غیربدعی را به صورت قاطع میسر نمی‌کند؛ لذا با افزودن قید «که در تضاد با اصول و قواعد کلی دین باشد»، این تمایز به نحو دقیق‌تری صورت می‌پذیرد. این رویکرد، ضمن حفظ جامعیت تعریف، از شمول نابجای آن بر نوآوری‌های مشروع مبتنی بر اصول و قواعد کلی دین اجتناب می‌کند و بدین ترتیب چارچوب دقیق‌تری برای تحلیل مصادیق بدعت فراهم می‌آورد. همچنین، با تأکید بر ماهیت ذاتی و ثابت بدعت، و اجتناب از محدودیت‌های زمانی و مکانی، این تعریف از ظرفیت تحلیلی بالاتری در بررسی مقایسه‌ای و تاریخی پدیده بدعت برخوردار می‌گردد.

تبرک

کلمه «تبرک» مشتق از «برک» به معنای ثابت و مستقر شدن زیادت، افزایش، رشد و خیر کثیر خداوند در چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۲۸/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۵/۱۰). در اصطلاح «تبرک» به معنای طلب برکت از هر چیزی است که خداوند بدان برکت بخشیده است (البیاتی، ۱۴۲۶: ۱۴). برخی تبرک را طلب خیر کثیر از پیامبر اکرم (ص)، صالحان و آثار آنان می‌دانند (سبحانی، ۱۴۲۷: ۱۷۸/۴؛ البیاتی، ۱۴۲۶: ۸). با این حال، برخی دیگر، از جمله ابن تیمیه و ابن عثیمین، تبرک به امور نامشروع را بدعت و نوعی شرک تلقی می‌کنند و برکت را فقط از جانب خدا می‌دانند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۶۴/۱۹؛ ابن فوزان، بی تا-الف: ۴۹/۲۱؛ ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۱۸۵/۹).

اقسام تبرک از دیدگاه مذاهب اسلامی به اعتبار متعلق آن

تمامی مذاهب اسلامی تقسیم تبرک به مشروع و نامشروع را پذیرفته‌اند. اما مهم این است که آن‌ها تبرک را به اعتبار متبرک‌منه و آنچه از او تبرک جسته می‌شود به دو قسم تبرک مشروع و تبرک نامشروع تقسیم کرده‌اند که در ادامه توضیح می‌دهیم.

۱. تبرک مشروع؛ به معنای طلب برکت از اموری است که در شرع، قداست و طهارت دارند و شایسته احترام‌اند، از جمله تبرک به حجرالاسود، رکن یمانی، ذکر خدا،

تلاوت قرآن، و آب زمزم (الاصحی، ۱۴۲۳: ۱/۳۹۶؛ العینی، ۱۴۲۶: ۱۸۹؛ ابوالحسنات، ۱۴۲۶: ۳/۳۶۴؛ ماوردی، ۱۴۱۴: ۸/۴۳۰؛ شمس‌الدین البرماوی، ۱۴۳۳: ۶/۱۰۱؛ ابن‌عقیله مکی، ۱۴۲۷: ۲/۴۰۲؛ الیحصی، ۱۴۱۹: ۱/۴۹۶؛ الیافعی، ۱۴۳۱: ۵۱). علاوه بر این، تبرکی هم که موجب تکریم پیامبران و صالحان، و نیز قرب به خداست مشروع شناخته می‌شود، زیرا اولیا و صالحان دروازه‌های خداوند و راهنمایان به سوی او هستند و خداوند به وسیله ایشان نفع می‌دهد (الناصری، ۱۴۱۸: ۲/۲۰۹؛ غزالی، ۱۴۰۶: ۲/۲۴۷؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۳۰/۲۰۸ و ۱۸/۴۶۰؛ الدسوقی، بی تا: ۴۲۲/۱؛ ابن‌الحاج، بی تا: ۵۴/۴؛ مبارکفوری، ۱۴۱۰: ۳/۵۶۳).

۲. تبرک نامشروع؛ به معنای تبرک به اموری است که در شرع از آن‌ها نهی شده است، مانند تبرک به افراد غیر صالح، تبرک به شراب و اصنام (سیوطی و المحلی، ۱۳۹۸: ۴۵۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۷/۲۵؛ جرجانی، ۱۳۶۳: ۲/۱۲۶؛ تقی‌الدین، ۱۴۲۱: ۲/۳۳۹).

این در حالی است که ابن‌تیمیه و وهابیت هرچند با تقسیم تبرک به مشروع و نامشروع موافق‌اند، اما تفسیر و تبیین متفاوتی از هر قسم مطرح کرده‌اند. از نظر آن‌ها، تبرک به اعتبار مستنداتش به مشروع و نامشروع تقسیم می‌شود:

۱. تبرک مشروع؛ ابن‌تیمیه و وهابیان معتقدند هرچه موافق با کتاب و سنت رسول خدا و صحابه و سلف صالح باشد، تبرک بدان مشروع است، از جمله: تبرک به ذکر خدا (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۹/۶۴؛ ابن‌باز، بی تا-الف: ۱/۵۲؛ ابن‌قیم، ۱۹۹۹: ۱۹۰)، تلاوت قرآن (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۹/۶۴؛ ابن‌قیم، ۱۴۱۵: ۴/۳۵۸)، آب زمزم (جدیع، ۱۴۳۲: ۲۷۹؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۲/۶۰۰؛ ابن‌فوزان، بی تا-الف: ۱/۲۷۶). در این دسته‌بندی، تبرک به پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات ایشان از طریق تبعیت و عمل به سنت است که شامل تبرک به مو، عرق، آب دهان و لباس‌های پیامبر (ص) در زمان حیات می‌شود (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۱/۱۱۳؛ العقل، ۱۴۳۹: ۵۴؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۷: ۱/۲۹۵؛ کردی مکی، ۱۳۹۶: ۵۸-۶۰). بر این اساس، از دیدگاه ابن‌تیمیه و وهابیت، تبرک صرفاً زمانی مشروع است که نصی واضح و دلیلی قاطع بر جواز آن وجود داشته باشد.

۲. تبرک نامشروع؛ به اعتقاد ابن‌تیمیه و وهابیت، هر آنچه مخالف کتاب و سنت باشد، تبرک بدان نامشروع خواهد بود، از جمله تبرک پس از وفات پیامبر (ص)، مانند تبرک به قبر ایشان و تبرک به آثار اولیا و صالحان (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۹: ۲/۸۰۰؛ سلیمان التمیمی،

۱۳۷۷: ۱۰۶؛ ابن‌قیم، ۱۴۳۲: ۲۱۲/۱). بنابراین، از دیدگاه ابن‌تیمیه و وهابیت، چنانچه دلیل قاطعی بر جواز تبرک وجود نداشته باشد این نوع از تبرک بدعت محسوب می‌شود و بعضاً می‌تواند به شرک بینجامد. ملاک اساسی آن‌ها در تبرک، بدعت بودن آن است، هرچند گاه به شرک منتهی شود. به همین دلیل، رابطه میان بدعت و شرک در تبرک، عموم و خصوص مطلق است، زیرا چنین نیست که هر زمانی تبرک، بدعت باشد لزوماً شرک هم باشد، ولی وقتی شرک تلقی شود قطعاً بدعت نیز خواهد بود (ابن‌عثمین، ۱۴۲۱: ۱۶۸). این قسم از تبرک، محل اختلاف با سایر مذاهب اسلامی است. در ادامه، ادله ابن‌تیمیه و وهابیان در این زمینه بررسی و نقد می‌شود.

بازخوانی دیدگاه ابن‌تیمیه و وهابیت

از آنچه در تقسیم تبرک گفته شد در می‌یابیم که ابن‌تیمیه با نگاه انتقادی به مسئله تبرک می‌نگرد و آن را به شدت مذموم می‌شمارد. وی این عمل را بدعتی می‌داند که می‌تواند به شرک بینجامد. از نظر وی، تبرک با هر نیتی، چه با نیت عبادت و چه بدون آن، مخالف با آموزه‌های اصیل اسلامی است. تبرک با نیت عبادت شرک است و بدون نیت عبادت هم مذموم است و از اسباب شرک محسوب می‌شود (ابن‌تیمیه، ۱۴۲۲: ۱۴۷؛ همو، ۱۴۱۹: ۴۱/۱ و ۶۶ و ۶۷). محمد بن عبدالوهاب هم معتقد است این اعمال، نه فقط بدعت است، بلکه به شرک منجر می‌شود. وی همچنین به خطرهای و ذریعه‌های شرک اشاره می‌کند و بر لزوم اجتناب از هر نوع عملی که می‌تواند به شرک بینجامد، تأکید می‌ورزد و می‌گوید تبرک به مثابه عبادت غیرالله، شرک است (تمیمی نجدی، ۱۳۴۹: ۲۳/۱ و ۳۹؛ همو، ۱۲۰۶: ۷۵/۱).

وهابیان معاصر نگاه تندتری به مسئله تبرک داشته‌اند؛ برخی همچون ابن‌عثمین و ابن‌باز تبرک به قبور و اشیا را نه فقط بدعت می‌دانند، بلکه آن را نوعی از شرک محسوب کرده‌اند، به‌ویژه اگر فرد معتقد باشد که صاحب قبر تأثیری در جلب نفع یا دفع ضرر دارد. این دیدگاه، بر فقدان هر گونه پایه شرعی برای تبرک در سیره سلف صالح تأکید دارد (ابن‌عثمین، ۱۴۱۳: ۲۳۱/۲؛ ابن‌باز، ۱۴۲۸: ۴۷؛ ابن‌باز و ابن‌عثمین، ۱۴۱۳: ۸۸؛ آل‌نعمان، ۱۴۳۲: ۲۳۱/۱۲).

بر این اساس، هرچند در شدت نکوهش آموزه تبرک بین ابن تیمیه و وهابیان تفاوت وجود دارد اما در اصل بدعت‌انگاری تبرک اتفاق نظر دارند که در بخش بعدی به دلایشان می‌پردازیم.

دلایل ابن تیمیه و وهابیت بر بدعت بودن تبرک

ابن تیمیه و وهابیت برای اثبات مدعایشان، یعنی بدعت بودن تبرک، معتقدند تبرک به عنوان عملی دینی، به دلیل فقدان مبنای شرعی و سابقه در دین اسلام، بدعت محسوب می‌شود. دلایل آن‌ها برای بدعت بودن تبرک در دو دسته اصلی می‌گنجد:

۱. فقدان سند معتبر شرعی و سیره عملی سلف صالح

ابن تیمیه و وهابیت به طور کلی معتقدند عمل تبرک فاقد هر گونه سند معتبر در شریعت اسلام و سیره عملی سلف صالح است. به عبارت دیگر، نه فقط آیه یا حدیث صریحی در قرآن و سنت وجود ندارد که مستقیماً به مشروعیت تبرک اشاره کند، بلکه در عمل صحابه و تابعین هم نمونه‌ای از تبرک، به شکلی که امروزه رایج است، دیده نمی‌شود (ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۶۵۶/۲؛ البانی، ۱۴۲۱: ۱۴۶). شواهد وهابیان بر این ادعا عبارت است از:

الف. نبود نص صریح بر مشروعیت تبرک: وهابیان معتقدند برای هر عمل دینی باید دلیل صریح و قطعی از قرآن یا سنت وجود داشته باشد و نبود چنین دلیلی، دلیلی بر بدعت بودن آن عمل است (ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۶۵۶/۲؛ ابن باز، بی‌تا-ب: ۱۰۷/۹؛ ابن فوزان، ۱۴۲۳: ۲۸۱/۱).

ب. سیره سلف در نهی از تبرک: وهابیان معتقدند سلف صالح، از جمله صحابه و تابعین، هرگز به قبر پیامبر یا آثار صالحان تبرک نمی‌جستند و حتی از این عمل نهی می‌کردند (ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۶۵۶/۲؛ البانی، ۱۴۲۱: ۱۴۶؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۵۳/۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۲: ۱۶۵۶/۳؛ ابن رجب حنبلی، ۱۹۹۰: ۵۵؛ ابن فوزان، بی‌تا-ب: ۱۴۹/۴).

ج. فقدان اجماع: وهابیان معتقدند اگر تبرک عملی مشروع بود قطعاً صحابه و تابعین بر آن اجماع می‌کردند، اما چنین اجماعی وجود ندارد (سلیمان التیمی، ۱۳۷۷: ۱۰۶؛ قنوجی بخاری، ۱۹۵۹: ۲۵۰/۲).

ابن تیمیه و وهابیت از مجموع این مطالب نتیجه می‌گیرند که چون هیچ سند معتبر

شرعی و سیره عملی برای تبرک وجود ندارد، این عمل بدعتی است که در اسلام جایگاهی ندارد. به عبارت دیگر، به نظر آن‌ها، تبرک عملی است که پس از زمان پیامبر (ص) و خلفای راشدین وارد دین شده و هیچ ریشه تاریخی و شرعی ندارد.

۲. استناد به دین و بدعت بودن تبرک

ابن تیمیه و وهابیت معتقدند هر گونه دیانت، تعبد و تقرب به فعل یا انجام دادن نوعی از تبرکات نامشروع، به‌ویژه آن‌هایی که به دین نسبت داده می‌شود بدعت است. این دیدگاه به‌وضوح نشان‌دهنده حساسیت آن‌ها به حفظ خلوص دین و جلوگیری از ورود هر گونه عمل نامشروع به دایره دین اسلام است. ابن تیمیه در همین خصوص تأکید می‌کند که اصل دین، پیروی از پیامبر (ص) است در آنچه امر و تشریح کرده، و هر فعلی که پیامبر (ص) تشریح و امر نکرده از عبادات و قربات محسوب نمی‌شود. اتخاذ چنین افعالی به عنوان قربت، مخالف با سنت پیامبر (ص) است و قصد تبرک، مخالفت با اصل تشریح را مجاز نمی‌کند (ابن تیمیه، بی‌تا-الف: ۹۸/۵).

ابن عثیمین در پاسخ به پرسشی درباره حکم آویزان کردن آیات قرآن در خانه به قصد تبرک، تصریح می‌کند که اگر این عمل به نوعی سبب استناد به دین و تعبدی باشد، بدعت تلقی می‌شود. او می‌گوید: «اگر این کار سبب استناد به دین و تعبدی باشد بدعت است» (ابن عثیمین، ۱۴۲۱: ۲۵/۸۷). این بیان به‌وضوح نشان‌دهنده این است که هر عملی که به نوعی به دین نسبت داده شود و در آن نص صریحی وجود نداشته باشد، از دیدگاه آنان بدعت محسوب می‌شود.

در جای دیگری، ابن عثیمین درباره مسح حاجیان به در و دیوار کعبه یادآور می‌شود که این عمل، که مردم با آن قصد تقرب به خدا را دارند و تمسح به در و دیوار را تعبد می‌دانند، هیچ اصلی در شریعت نداشته و بدعتی مذموم است (همو، ۲۰۰۹: ۲۲۹). این تأکید بر نامشروع بودن اعمالی که به نوعی به دین نسبت داده می‌شود، به‌وضوح نشان‌دهنده رویکرد وهابیان در رد هر گونه تبرک و تعبدی است که بدون دلیل شرعی و نصوص معتبر انجام شود.

با توجه به دلایل ابن تیمیه و وهابیان در بدعت‌انگاری تبرک در می‌یابیم که ابن تیمیه و وهابیان، با تکیه بر قرآن، سنت و سیره سلف صالح، به این نتیجه رسیده‌اند که هر گونه

عمل، عقیده یا گفتاری که به دین نسبت داده شود و در منابع معتبر اسلامی برایش سندی وجود نداشته باشد بدعت محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، از نظر آن‌ها، بدعت هر گونه نوآوری در دین است که در قرآن و سنت ریشه نداشته باشد و به عنوان بخشی از دین معرفی شود (ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۸۶/۲؛ همو، بی‌تا-ب: ۵/۱؛ همو، ۱۴۰۶: ۳۰۸/۸؛ ابن‌باز، بی‌تا-ج: ۷/۳؛ ابن‌جبرین، ۱۴۱۸: ۳۶؛ ابن‌عثمین، بی‌تا: ۲/۴؛ البانی، بی‌تا: ۷۰۴/۸؛ ابن‌فوزان، بی‌تا-ب: ۲/۱۶).

جمع‌بندی و تحلیل

ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و علمای معاصر وهابیت، همگی با دیدگاهی واحد دربارهٔ مذموم بودن اصل تبرک، هر گونه تبرک به اشیا و اماکن را عملی مذموم، و برخی اقسام آن را زمینه‌ساز شرک می‌دانند. آن‌ها بر ضرورت پرهیز از آن تأکید می‌کنند و آن را منافی توحید می‌دانند. با این حال، در شدت انتقاد، نقش نیت و تحلیل اعتقادی تفاوت‌هایی وجود دارد. ابن تیمیه با رویکردی نسبتاً منعطف‌تر بر تفکیک بین نیت عبادت و نیت غیرعبادت تأکید می‌کند، در حالی که محمد بن عبدالوهاب با رویکردی سختگیرانه، تفاوتی میان نیت‌ها قائل نمی‌شود و علمای معاصر وهابی دیدگاه سختگیرانه‌تر تبرک را تا وادی شرک جلو می‌برند. آن‌ها با تفکیک دقیق‌تر بین اعتقاد به تأثیر و نیت، تحلیل عمیق‌تری از مسئلهٔ تبرک مطرح کرده‌اند؛ زیرا علمای معاصر وهابیت تأکید می‌کنند که اگر فردی به تأثیر چیزی که بدان تبرک بسته است اعتقاد داشته باشد، به شرک در ربوبیت می‌انجامد.

البته دلایل ابن تیمیه و وهابیت در بدعت‌انگاری تبرک با اشکالات جدی و متعددی روبه‌رو است، از جمله:

۱. متزلزل بودن تقسیم

ابن تیمیه و وهابیت، تبرک را به دو دستهٔ کلی مشروع و نامشروع تقسیم کرده‌اند. بر اساس این تقسیم‌بندی، هر تبرکی که در شرع نص صریحی بر مشروعیتش وجود نداشته باشد بدعت تلقی می‌شود. اما این تقسیم‌بندی به‌وضوح نشان‌دهندهٔ تزلزل آن است و می‌توان دلایل زیر را برای اثبات این تزلزل مطرح کرد:

الف. تناقض در ملاک‌های تقسیم

این تقسیم‌بندی در تعیین ملاک اصلی حکم، دچار تناقض است. ابن تیمیه و وهابیت به وضوح بدعت را عملی ناپسند و مذموم تلقی می‌کنند. از این رو، اگر چیزی بدعت در نظر گرفته شود دیگر نمی‌توان آن را به دو دسته مشروع و نامشروع تقسیم کرد (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۹۲/۲؛ ابن قیم، ۱۴۱۵: ۲۱۲/۱). این نکته به وضوح نشان‌دهنده تزلزل در تقسیم‌بندی است، زیرا بدعت به خودی خود نمی‌تواند در دو دسته قرار گیرد. نکته دیگر اینکه، اگر ملاک اصلی تبرک، اعتقاد به الوهیت و ربوبیت غیر خدا باشد حکم شرک جاری می‌شود و دیگر نیازی به تقسیم‌بندی به مشروع و نامشروع نیست. از سوی دیگر، اگر ملاک اصلی بدعت باشد، چرا برخی اعمال بدعی، مشروع تلقی می‌شوند؟ (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۹۲/۲؛ همو، ۱۴۰۶: ۳۰۸/۸؛ تمیمی نجدی، ۱۴۲۰: ۱۲۶). متأسفانه وهابیان در ابتدا حکم شرک یا بدعت چیزی را می‌دهند و سپس مصادیقی را که به صورت واضح و بدیهی در شرع است از حکم استثنا می‌کنند. آن‌ها در ابتدا حکمی برای آن بیان می‌کنند و سپس برخی را تخصیص می‌زنند. اما بسیار روشن است که شرک و بدعت نمی‌تواند همراه تبرک باشد و در عین حال تقسیم به مشروع و نامشروع شود؛ چون چیزی که شرک یا بدعت است محال است خداوند به آن اجازه دهد و مشروع قرار گیرد!

ب. نسبی بودن ملاک مشروعیت

با توجه به اینکه وهابیت ملاک مشروعیت تبرک را وجود نص قاطع می‌دانند، باید گفت وجود یا فقدان نص صریح معیاری نسبی است و به تفسیر و برداشت مفسران وابسته است. چه‌بسا مفسری نصی را دلیل بر مشروعیت تبرکی بداند و مفسر دیگری آن را دلیل بر نامشروعیت آن تلقی کند (ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۱۸۵/۹؛ سلیمان التمیمی، ۱۳۷۷: ۱۰۶).

ج. جامع نبودن تقسیم

این تقسیم‌بندی به ظاهر توانایی پوشش تمامی اشکال تبرک را دارد، اما به نظر می‌رسد فاقد شمولیت برای انواع تبرک است؛ زیرا ابن تیمیه و وهابیان تبرک را به دو دسته تقسیم کرده‌اند؛ اول، تبرکاتی که در شرع نصی درباره آن آمده است؛ و دوم، تبرکاتی که در شریعت نصی بر آن نیست؛ سپس کارهایی مانند تبرک به پیامبر (ص) بعد از وفات

ایشان (نظیر تبرک به قبر و در و دیوار و مکان‌هایی که آن‌ها در آنجا نشسته و لمس کرده‌اند) را در زمره قسم دوم اعلام کرده‌اند. نتیجه این تقسیم این خواهد بود که هر تبرکی که به همراه دلیل شرعی نباشد بدعت خواهد بود (ابن تیمیه، ۱۴۱۹: ۸۰۰/۲؛ ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۱۸۵/۹؛ سلیمان التیمی، ۱۳۷۷: ۱۰۶؛ ابن قیم، ۱۴۳۲: ۲۱۲/۱). اما پرسش اینجاست که: آیا تقسیم تبرک به این دو دسته، تقسیم جامعی است؟ آیا هر تبرکی را که گرچه ظاهر تبرک را دارد اما شخص بدون انتساب به دین، دست به آن زده باشد باید در قسم دوم گنجانده شود؟ قطعاً امور بسیاری هستند که بدون هیچ‌گونه عقیده‌ای، اعم از اعتقاد به الوهیت و ربوبیت و نیز بدون انتساب به دین و درخواست ثواب، گرچه لغو محسوب می‌شوند ولی انجام می‌شوند، اما نمی‌توان آن‌ها را در زمره امور بدعی قرار داد، بلکه صرفاً رجحان ندارند. بنابراین، با توجه به اینکه این قسم از تبرک با آنچه ابن تیمیه و وهابیت می‌گویند همخوانی ندارد و آن‌ها آن را قسم جداگانه‌ای به شمار می‌آورده‌اند پس تقسیم ابن تیمیه و وهابیان از تبرک جامع نیست.

د. توجه نکردن به جایگاه قصد و نیت

این تقسیم‌بندی به نیت و اهداف افرادی که تبرک می‌کنند توجهی ندارد، در حالی که تبرک ممکن است به نیت‌های مختلفی انجام شود، از جمله نیت‌های غیر مذهبی یا حتی نیت‌های فرهنگی. به همین دلیل، اگر تبرکی بر اساس سنت‌های فرهنگی و اجتماعی انجام شود در این تقسیم‌بندی گنجانده نمی‌شود؛ مثلاً تبرک به مکان‌ها یا اشیاء به منظور کسب آرامش، که می‌تواند به دلیل احساس تعلق یا عادت‌های شخصی باشد. حال آنکه این نوع تبرک قطعاً نه شرک است و نه بدعت؛ زیرا به انگیزه دینی انجام نمی‌شود و هیچ انتسابی به دین صورت نگرفته است.

و. تعمیم ناروا

یکی دیگر از اشکالات تقسیم وهابیت این است که با این تقسیم‌بندی، هر عمل تبرکی که نص صریحی برایش وجود نداشته باشد خود به خود بدعت تلقی می‌شود. لذا به تعمیم حکم بدعت به بسیاری از اعمالی می‌انجامد که لزوماً بدعت نیستند. در نهایت، این تقسیم‌بندی دیدگاهی سختگیرانه و انعطاف‌ناپذیر راجع به اعمال تبرکی پیش می‌نهد



و چه بسا به ایجاد فاصله بین افراد و دین بینجامد.

۲. معیار نبودن سلف

ابن تیمیه و وهابیت ادعا می‌کنند که تبرک بدعت است، زیرا سلف چنین عملی را انجام نداده‌اند. این ادعا از چند جهت مخدوش است:

الف. بررسی‌ها نشان می‌دهد که معیار سنت یا بدعت بودن تبرک، میزان قرارداد سلف نیست، زیرا هیچ دلیلی بر ملاک قرارداد سلف به عنوان مصدر تشریح وجود ندارد. فعل سلف از خطا و اشتباه مصون نیست و حتی اگر از خطا مصون باشد صدور فعل از شخص معصوم دلالت بر حرام نبودن دارد، اما نمی‌توان ادعا کرد که ترک فعل از ناحیه معصوم بر حرمت دلالت دارد. لذا نمی‌توان فعل سلف را معیار مشروعیت قرار داد (غماری، ۱۴۲۳: ۱۲-۱۵؛ همو، ۲۰۱۶: ۲۰۱۶؛ رضوانی، ۱۳۹۲: ۲۹؛ العرفج، ۱۴۳۳: ۱۵۵).

ب. ابن قیم تصریح کرده است که این دلیل نشان‌دهنده جهل گوینده است، زیرا چه بسا سلف این کار را انجام داده باشند و کسی بر آن شاهد نبوده باشد (ابن قیم، ۱۹۹۶: ۱۴۳). ملاک بسیاری از مصادیق بدعت، از جمله تبرک، فقدان آن در میان سلف تلقی شده است.

ج. در متون معتبر و مقبول نزد وهابیت، روایاتی درباره تبرک جویی سلف به آثار پیامبر اکرم (ص) پس از وفات، نظیر تبرک حضرت زهرا (ع) به خاک قبر پیامبر (ص) و تبرک بلال به قبر پیامبر (ص) در حضور امام حسن و امام حسین (ع) وجود دارد (سمهودی، ۲۰۰۶: ۴۴۴/۲؛ ابن قدامه، ۱۴۱۷: ۲۱۳/۲؛ قسطلانی، ۱۴۳۱: ۳۹۰/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۵۶/۲). این روایات نشان می‌دهد که سلف به این عمل مبادرت ورزیده‌اند و هیچ کس آن‌ها را سرزنش نکرده است. علاوه بر این، تبرکات تابعین به آثار پیامبر (ص) هم ثبت شده است، مانند تبرک ابن المنکدر به قبر حضرت و طلب شفا از آن (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵۶/۵۰؛ ذهبی، ۱۴۰۸: ۵۳۵۸). همچنین، تبرک عمر بن خطاب به عباس بن عبدالمطلب هم گواهی بر این ادعا است. از ثمامة بن انس نقل شده است که عمر هر زمان گرفتار قحطی می‌شد به وسیله عباس از خداوند درخواست باران می‌کرد و مردم بدن ابن عباس را مسح می‌کردند (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۳۷-۵۰۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶۳/۳، ش ۲۷۹۷). ابن حجر این عمل را مصداقی از تبرک، و مجوزی برای تعمیم این عمل به



دیگران می‌داند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۷: ۴۹۷/۲).

۳. بررسی حکم تبرک

دیدگاه ابن تیمیه و وهابیت درباره حکم تبرک نیز مخدوش است. در ادامه، دو حکم را بررسی می‌کنیم.

الف. شرک دانستن تبرک؛ ابن تیمیه و وهابیت تبرک را عملی بدعت‌آمیز تلقی می‌کنند و برای جلوگیری از انحراف به سمت شرک، عباراتی نظیر «نوع من الشرک»، «من اسباب الشرک»، «من شعب الشرک»، «یفضی الی الشرک» و «ذریعة الی الشرک» به کار می‌برند (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۳۶/۳؛ ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۲۱۰/۱۷؛ اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء، بی‌تا: ۲: ۵۰/۱). آن‌ها معتقدند اگر فردی با اعتقاد به طلب برکت از شیء متبرک یا صاحبش چنین عملی انجام دهد حکم شرک بر او بار می‌شود. در حالی که تمامی مسلمانان متفق‌اند که اگر تبرک با اعتقاد به تأثیر استقلال‌ی و به قصد عبادت انجام شود شرک به شمار می‌آید. با این حال، تبرکات مسلمانان معمولاً بدون نیت پرستش متبرک یا اعتقاد به تأثیر استقلال‌ی انجام می‌گیرد. نکته‌ای که در عبارات وهابیت سزاوار توجه است تناقض در تعامل استقلال‌ی با سببیت در تأثیر است. اگر شیء متبرک به عنوان سبب در نظر گرفته شود، در واقع خداوند را مسبب می‌دانیم. بنابراین، هیچ موحدی نمی‌تواند نگاهی غیراسبابی به تبرک داشته باشد و در نتیجه، نگاه استقلال‌ی هم وجود ندارد (باغبان خطیبی، ۱۳۹۹: ۶۵۶؛ طیب، ۱۳۶۲: ۸۳-۹۰).

ب. بدعت دانستن تبرک؛ با توجه به تعاریف و دلایل ابن تیمیه و وهابیت درباره بدعت بودن تبرک، به نظر می‌رسد مذاهب اسلامی هم در تعریف و ادله، از لحاظ ظاهری، با آن‌ها همسو و مشابه بوده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ماده «بدع»؛ تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۷: ۱۰/۱۷؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۳۲). با این حال، تفاوت‌های اساسی در گزاره‌هایی وجود دارد که از فحوای تعریف و ادله بدعت استخراج می‌شود و عمدتاً به ملاک قرارداد سلف و اعتباربخشی به آن مرتبط است. این رویکرد باعث ایجاد کژفهمی در درک مفهوم «بدعت» شده و موجب می‌شود هر مصداقی که در چارچوب سلف سنجیده نشود بدعت تلقی گردد.

نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، اشتراکات و افتراقات دیدگاه ابن تیمیه و وهابیت درباره آموزه تبرک روشن شد، بدین صورت که ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و علمای معاصر وهابیت، همگی بر نکوهش اصل آموزه تبرک اتفاق نظر داشتند و هر گونه تبرک به اشیا و اماکن را ناپسند می دانستند و برخی از اقسام آن را محکوم به بدعت و زمینه ساز شرک دانسته اند. با این حال، بین آنها در شدت انتقاد از این آموزه و مذمت آن اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا ابن تیمیه با رویکردی نسبتاً منعطف، بر تفکیک بین نیت عبادت و نیت غیرعبادت تأکید می کند، در حالی که وهابیان با رویکردی سختگیرانه تفاوتی میان نیت ها قائل نشده اند و برخی اقسام تبرک را تا وادی شرک جلو برده اند. مهم ترین اشتراک نظر بین ابن تیمیه و وهابیت بدعت انگاری تبرک است که در این مقاله بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که ادعای ابن تیمیه و وهابیت درباره بدعت انگاری تبرک بی اساس است؛ زیرا: ۱. تقسیم تبرک به مشروع و نامشروع با رویکرد ابن تیمیه و وهابیان اشکالاتی دارد؛ ۲. سلف نمی تواند برای مشروعیت تبرک معیار باشد؛ ۳. حکم کلی وهابیت برای تمامی اقسام تبرک هم با اشکالاتی مواجه است.



منابع

١. آل نعمان، شادى بن محمد (١٤٣٢). جامع تراث العلامة الألبانى فى المنهج والأحداث الكبرى، صنعاء: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية و تحقيق التراث و الترجمة، الطبعة الأولى.
٢. ابن اثير، على بن محمد (١٤٠٩). اسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت: دار الفكر.
٣. ابن الحاح، محمد بن محمد (بى تا). المدخل، بى جا: دار التراث.
٤. ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله (١٤٢٨). مسائل الامام ابن باز، تقييد و جمع و تعليق: الشيخ أبى محمد عبد الله بن مانع، الرياض: دار التدمرية، الطبعة الأولى.
٥. ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله (بى تا الف). فتاوى نور على الدرب لابن باز بعناية الشويعر، جمعها: الدكتور محمد بن سعد الشويعر، بى جا: بى نا.
٦. ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله (بى تا ب). مجموع الفتاوى و مقالات متنوعة شيخ عبد العزيز بن باز، جمعه و طبعه: محمد بن سعد الشويعر، رياض: بى نا.
٧. ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله (بى تا ج). مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز، أشرف على جمعه و طبعه: محمد بن سعد الشويعر، بى جا: بى نا.
٨. ابن باز، عبد العزيز؛ ابن عثيمين، محمد بن صالح (١٤١٣). فتاوى مهمة لعموم الأمة، المحقق: إبراهيم الفارس، الرياض: دار العاصمة، الطبعة الأولى.
٩. ابن تيمية حرانى، احمد (١٤١٦). مجموع الفتاوى، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدينة نبوية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
١٠. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم (١٤٠٦). منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية، تحقيق: محمد رشاد سالم، بى جا: جامعة الامام محمد بن سعود الإسلامية.
١١. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم (١٤٠٨). الفتاوى الكبرى، بى جا: دار الكتب العلمية.
١٢. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم (١٤١٩). اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، تحقيق: ناصر عبد الكريم العقل، بيروت: دار عالم الكتب.
١٣. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم (١٤٢٢). جامع المسائل لابن تيمية؛ المجموعة الثالثة، تحقيق: محمد عزيز شمس، مكة: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى.
١٤. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم (بى تا- الف). مجموعة الرسائل والمسائل، علق عليه: السيد محمد رشيد رضا، بى جا: لجنة التراث العربى.
١٥. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم (بى تا- ب). الاستقامة، بى جا: بى نا.
١٦. ابن جبرين، عبد الله بن عبد الرحمن (١٤١٨). فتاوى فى التوحيد، إعداد و تقديم: حمد بن إبراهيم الحريقى، بى جا: دار الوطن للنشر، الطبعة الأولى.

۱۷. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (۱۴۱۷). فتح البارى بشرح صحيح البخارى، بى جا: بى نا.
۱۸. ابن حزم اندلسى، على بن احمد (۱۹۸۰). الاحكام فى اصول الاحكام، بيروت: دار الافاق الجديدة.
۱۹. ابن رجب الحنبلى (۱۹۹۰). الحكم الجديدة بالاذاعة من قول النبى (ص) بعثت بالسيف بين يدى الساعة، دمشق: دار المأمون، الطبعة الأولى.
۲۰. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۱۳). مجموع فتاوى و رسائل العثيمين، جمع و ترتيب: فهد بن ناصر بن إبراهيم السليمان، بى جا: دار الوطن، دار الثريا، الطبعة الأخيرة.
۲۱. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۱). لقاء الباب المفتوح، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الاسلامية.
۲۲. ابن عثيمين، محمد بن صالح (۲۰۰۹). فقه العبادات، بى جا: اللجنة العلمية فى مؤسسة الشيخ محمد بن صالح العثيمين الخيرية.
۲۳. ابن عثيمين، محمد بن صالح (بى تا). فتاوى نور على الدرب، بى جا: بى نا.
۲۴. ابن عساكر، على بن حسن (۱۴۱۵). تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر.
۲۵. ابن عقيله مكى، محمد بن احمد (۱۴۲۷). الزيادة والاحسان فى علوم القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
۲۷. ابن فوزان، صالح بن فوزان (۱۴۲۳). إغاثة المستفيد بشرح كتاب التوحيد، بى جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة.
۲۸. ابن فوزان، صالح بن فوزان (بى تا-الف). كتب العقيدة، بى جا: المكتبة الشاملة.
۲۹. ابن فوزان، صالح بن فوزان (بى تا-ب). كتب الردود، بى جا: الشاملة.
۳۰. ابن قدامه، عبد الله بن احمد (۱۴۱۷). المغنى، رياض: دار عالم الكتب.
۳۱. ابن قيم الجوزية، محمد بن أبى بكر (۱۴۳۲). إغاثة اللفهان فى مصاديد الشيطان، حققه: محمد عزيز شمس، مكة: دار عالم الفوائد، الطبعة الأولى.
۳۲. ابن قيم، محمد بن أبى بكر (۱۴۱۵). زاد المعاد فى هدى خير العباد، بيروت و الكويت: مؤسسة الرسالة و مكتبة المنار الاسلامية، الطبعة السابعة والعشرون.
۳۳. ابن قيم، محمد بن ابى بكر (۱۹۹۶). الروح، تحقيق: رمضان إبراهيم محمد، بيروت: دار الفكر العربى.
۳۴. ابن قيم، محمد بن أبى بكر (۱۹۹۹). الوابل الصيب و رافع الكلم الطيب، تحقيق: سيد إبراهيم،

قاهره: دار الحديث، الطبعة الثالثة.

٣٥. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤١٩). تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، الطبعة الأولى.
٣٦. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤). لسان العرب، بيروت: دار صادر، الطبعة الثالثة.
٣٧. ابو الحسنات، محمد عبد الحى (١٤٢٦). التعليق الممجد على موطاء محمد، تحقيق: تقى الدين الندوى، دمشق: دار القلم، الطبعة الرابعة.
٣٨. الاصبحي، مالك بن انس (١٤٢٣). المدونة الكبرى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣٩. باغبان خطيبى، مهدي (١٣٩٩). جستارهاى اعتقادى، قم: معارف اهل بيت الطاهرين.
٤٠. البانى، محمد ناصر الدين (١٤٢١). التوسل: أنواعه و أحكامه، تحقيق: محمد عيد العباسى، الرياض: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع.
٤١. البانى، محمد ناصر الدين (بى تا). تفرغ «سلسلة الهدى والنور» للشيخ الألبانى، بى جا: الشاملة الذهبية.
٤٢. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤١٠). صحيح البخارى، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة.
٤٣. البياتى، صباح على (١٤٢٦). التبرك بالصالحين والاخبار والمشاهد المقدسة، بى جا: المجمع العالمى لاهل البيت.
٤٤. تقى الدين، محمد بن أحمد (١٤٢١). شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، بى جا: دار الكتب العلمية.
٤٥. التيممى النجدى، محمد بن عبد الوهاب (١٢٠٦). التوحيد الذى هو حق الله على العبيد، تأليف: عبد الرحمن بن سعد العياف الدوسرى الودعانى، بى جا: بى نا.
٤٦. التيممى النجدى، محمد بن عبد الوهاب (١٣٤٩). الجواهر المضية، الرياض: دار العاصمة، الطبعة الأولى بمصر.
٤٧. التيممى النجدى، محمد بن عبد الوهاب (١٤٢٠). أصول الايمان لمحمد بن عبد الوهاب، تحقيق: باسم فيصل الجوابرة، الرياض: وزارة الشؤون الاسلامية والأوقاف والدعوة والارشاد، الطبعة الخامسة.
٤٨. تهانوى، محمد اعلى بن على (١٩٩٦). موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقيق: عبد الله خالدى، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.
٤٩. جديع، ناصر بن عبد الرحمن (١٤٣٢). التبرك: انواعه و احكامه، رياض: مكتبة الرشد ناشرون.
٥٠. جرجانى، ابو الفتح بن مخدوم (١٣٦٣). تفسير شاهى، مقدمه نويس: شهاب الدين مرعشى،

- شیراز: نوید.
۵۱. الدسوقی، محمد بن احمد (بی‌تا). حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، بی‌جا: دار الفکر.
۵۲. الذهبی، شمس الدین (۱۴۰۸). معجم الشیوخ الكبير للذهبی، تحقیق: الدكتور محمد الحیب الهیلة، طائف: مكتبة الصديق، الطبعة الأولى.
۵۳. ذهبی، محمد بن محمد (۱۴۲۷). سیر اعلام النبلاء، القاهرة: دار الحديث.
۵۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داودی، بیروت: دار الشامیة.
۵۵. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۲). بدعت از منظر وهابیان، قم: پایگاه تخصصی وهابیت پژوهی و جریان‌های سلفی.
۵۶. الزبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی هلالی و علی شیری، بیروت: دار الفکر، الطبعة الأولى.
۵۷. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۷). بحوث فی الملل والنحل، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۵۸. سبحانی، جعفر (۱۳۹۵). آشنایی با عقاید وهابیان، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۵۹. سبحانی، جعفر (۱۴۱۹). البدعة: مفهومها، حدها، آثارها، بیروت: دار الاضواء.
۶۰. سلیمان التیمی، عبد الرحمن بن حسن (۱۳۷۷). فتح المجید: شرح کتاب التوحید، المحقق: محمد حامد الفقی، القاهرة: مطبعة السنة المحمدية، الطبعة السابعة.
۶۱. سمهودی، علی بن عبد الله (۲۰۰۶). وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶۲. سیوطی، جلال الدین (۲۰۱۱). مجموع رسائل جمهرة رجال الجرح والتعديل، بی‌جا: دار الکتب العلمیة.
۶۳. السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر؛ المحلی، جلال الدین محمد بن احمد (۱۳۹۸). تفسیر الجلالین، ترجمة: حسین رستمی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۴. شاطبی، أبو إسحاق (بی‌تا). الاعتصام، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
۶۵. شمس الدین البرماوی، محمد بن عبد الدائم (۱۴۳۳). اللامع الصبیح بشرح الجامع الصحیح، سوریه: دار النوادر، الطبعة الأولى.
۶۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۷. الطریحی، فخرالدین بن محمد علی (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مكتبة المرتضوية.

٦٨. طيب، عبدالحسين (١٣٦٢). كلم الطيب در تقرير عقايد اسلام، تهران: كتاب فروشى اسلام.
٦٩. العرفج، عبد الله بن حسين (١٤٣٣). مفهوم البدعة و اثره فى اضطراب الفتاوى المعاصرة: دراسة تاصيلية تطبيقية، عمان و اردن: دار الفتح للدراسات والنشر، الطبعة الثانية.
٧٠. العقل، عبد الرحمن بن عبد العزيز (١٤٣٩). غاية المرید فى شرح كتاب توحيد، بی جا: مركز النخب العلمية، مطبعة معالم الهدى للنشر والتوزيع، الطبعة الثالثة.
٧١. العيني، بدر الدين محمود بن احمد (١٤٢٦). عمدة القارى: شرح صحيح البخارى، كتاب الحج، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٧٢. غزالى، محمد بن محمد (١٤٠٦). احياء علوم الدين، بی جا: دار الكتب العربى.
٧٣. غمارى، عبد الله بن صديق (١٤٢٣). حسن التفهم والدرك لمسئله الترك، قاهره: مكتبة القاهره.
٧٤. غمارى، عبد الله بن صديق (٢٠١٦). اتقان الصنعة فى تحقيق معنى البدعة، بی جا: عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع.
٧٥. الفراهيدى، خليل بن احمد (١٤٠٩). كتاب العين، قم: مؤسسة دار الهجرة.
٧٦. فيروزآبادى، مجد الدين محمد بن يعقوب (١٤٢٤). قاموس المحيط، تقديم: محمد عبد الرحمن المرعشلى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٧٧. قسطلانى، احمد بن محمد (١٤٣١). ارشاد السارى لشرح صحيح البخارى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٧٨. القنوجى البخارى، السيد محمد صديق حسن (١٩٥٩). الدين الخالص، محقق: محمد زهرى نجار، قاهره: مطبعة المدنى.
٧٩. كردى مكى، محمد طاهر بن عبد القادر (١٣٩٦). تبرک الصاحبة بآثار رسول الله، ترجمة: حيدر انصارى، قم: پژوهشكده حج و زيارت.
٨٠. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء (بی تا). فتاوى اللجنة الدائمة، جمع و ترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش، الرياض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والافتاء، الادارة العامة للطبع.
٨١. ماوردى، على بن محمد (١٤١٤). الحاوى الكبير فى فقه المذهب الامام الشافعى و هو شرح المختصر المزنى، بيروت: دار الكتب العلمية.
٨٢. مباركفورى، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم (١٤١٠). تحفة الاحوذى، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
٨٣. الناصرى، ابو العباس احمد بن خالد (١٤١٨). الاستقصاء لآخبار الدول المغرب الاقصى، بی جا: دار الكتب، دار البيضاء.
٨٤. نووى، يحيى بن شرف (١٣٤٧). شرح صحيح مسلم، قاهره: المطبعة المصرية بالأزهر.

۸۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۲). صحیح مسلم، قاهره: دار الحدیث.
۸۶. ورتابی کاشانیان، مصطفی (۱۳۹۴). «نقد دیدگاه وهابیت در مسئله تیرک با تکیه بر نظر علمای معاصر وهابی»، در: سراج منیر، س ۵، ش ۱۸، ص ۴۹-۷۸.
۸۷. الیافعی، عبد الفتاح بن صالح (۱۴۳۱). التبرک بالصالحین بین المجیزین والمانعین، بی‌جا: مؤسسة الرسالة ناشرون، الطبعة الاولى.
۸۸. الیحصی، عیاض بن موسی (۱۴۱۹). اکمال المعلم بفوائد مسلم، تحقیق: الدكتور یحیی اسماعیل، مصر: دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الاولى.
۸۹. احمد (بی‌تا). الفصل فی الملل والأهواء والنحل، بیروت: دار صادر.
۹۰. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴). معجم مقانیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۹۱. ابن مرتضی، احمد بن یحیی (بی‌تا). الفلاند فی تصحیح العقاید، بیروت: دار المشرق.
۹۲. اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰). مقالات الاسلامیین، تحقیق: هلموت ریتز، بیروت: دار النشر.
۹۳. اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۲۰). الابانة عن اصول الديانة، تحقیق: بشیر محمد عیون، دمشق: مكتبة دار البيان.
۹۴. باقلانی، محمد بن طیب (۱۳۷۰). تمهید الأوائل، بیروت: الكتب الثقافية.
۹۵. باقلانی، محمد بن طیب (۱۴۲۵). الانصاف فیما يجب اعتقاده، لایجوز اعتقاده، لایجوز الجهل به، تحقیق: شیخ زاهد کوثری، بیروت: دار المکتب العلمیه.
۹۶. بغدادی، عبد القاهر بن طاهر (۲۰۰۳). أصول الايمان، شارح: ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
۹۷. بغدادی، عبد القاهر بن طاهر (بی‌تا). اصول الدين، بیروت: دار زاهد القدسی.
۹۸. تفتازانی، مسعود بن عمر (بی‌تا). شرح اصول و عقاید النسفیة، تحقیق: عدنان درویش، بی‌جا: بی‌نا.
۹۹. جوینی (امام الحرمین)، عبد الملک بن عبد الله (۱۳۶۹). الارشاد الی قواطع الادلة فی اول الاعتقاد، قاهره: مكتبة الخانجي.
۱۰۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۵). مناهج الیقین فی اصول الدين، تهران: دار الاسوة.
۱۰۱. دائرة المعارف العثمانية (بی‌تا). رسائل کلامی، حیدرآباد دکن: بی‌نا.
۱۰۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت و دمشق: دار العلم، دار الشامیة، الطبعة الاولى.
۱۰۳. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۴). تفسیر کشاف، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

١٠٤. سيد مرتضى، على بن حسين؛ مفيد، محمد بن نعمان (١٤١٣). الفصول المختارة من العيون والمحاسن (مجموعه مصنفات الشيخ مفيد)، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد.
١٠٥. الشهرستاني، محمد بن عبد الكريم (١٤٠٢). الملل والنحل، بيروت: دار المعرفة.
١٠٦. طباطبائي، محمد حسين (١٤١٧). الميزان في تفسير القرآن، قم: مكتبة النشر الاسلامي.
١٠٧. طريحي، فخرالدين (١٣٧٥). مجمع البحرين، محقق، سيد احمد حسيني، تهران: كتابفروشي مرتضوي، چاپ سوم.
١٠٨. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٠). تمهيد الاصول، تهران: انجمن اسلامي حكمت و فلسفه.
١٠٩. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٦). الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد، بيروت: دار الأضواء.
١١٠. غزالي، ابو حامد محمد بن محمد (١٤٠٢). احياء علوم الدين، بيروت: دار المعرفة.
١١١. فارابي، محمد بن محمد (١٣٨١). احصاء العلوم، تهران: علمي و فرهنگي.
١١٢. فاضل مقداد (١٤٢٢). اللوامع الالهية في مباحث الكلامية، قم: دفتر تبليغات اسلامي.
١١٣. فخر رازي، محمد بن عمر (١٤١٧). التفسير الكبير، بيروت: دار احياء التراث العربي.
١١٤. فخر رازي، محمد بن عمر (١٤٢٠). المحصل من افكار المتقدمين والمتأخرين، تحقيق: سمع دغيم، قم: منشورات الشريف الرضي.
١١٥. فيض كاشاني، محم بن شاه مرتضى ١٤٠٣. المحجة البيضاء، ٨ جلدی، بيروت: موسسه الاعمي المطبوعات.
١١٦. قاضي عبد الجبار، عبد الجبار بن احمد (١٤١٦). شرح اصول الخمسة، القاهرة: مكتبة وهبة.
١١٧. لالكائي، هبة الله بن حسن (١٤٢٣). شرح اصول اعتقاد اهل السنة والجماعة من الكتاب والسنة و اجماع الصحابة والتابعين و من بعدهم، بيروت: دار الكتب العلمية.
١١٨. ماتريدي، ابو منصور (بي تا). التوحيد، الاسكندرية: دار الجامعات المصرية.
١١٩. مفيد، محمد بن نعمان (١٣٣١). اوائل المقالات، تبريز: كتابفروشي حقيقت.
١٢٠. مقدسي، مطهر بن طاهر (بي تا). البدء والتاريخ، بي جا: مكتبة الثقافية الدينية.
١٢١. مكدموت، مارتين (١٣٦٣). اندیشه های كلامی شیخ مفید، ترجمه: احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران.
١٢٢. موسوی بجنوردی، کاظم (١٣٩٥). دائرة المعارف بزرگ اسلامي، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، چاپ اول.
١٢٣. نسفي، ميمون بن محمد (٢٠١١ الف). بحر الكلام في اصول الدين، دراسة: عبد الله محمد بن عبد الله اسماعيل، تحقيق: محمد احمد شحاته، القاهرة: المكتبة الازهرية للتراث.
١٢٤. نسفي، ميمون بن محمد (٢٠١١ ب). تبصرة الادلة في اصول الدين، القاهرة: المكتبة الازهرية للتراث، الطبعة الاولى.